فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)
علمی - پژوهشی
سال ششم – شماره دوم – تابستان ۱۳۹۲ - شمارۀ پیاپی ۲۰

بررسی سبک‌شناسانۀ سیر تحول یک غزل، از مکتب وقوع تا دورۀ معاصر

(ص ۳۴۶- ۳۲۹)

نوش آفرین کلانتر[۱]
تاریخ دریافت مقاله : ۹۲/۲/۱۰
تاریخ پذیرش قطعی:۹۲/۳/۲۰

چکیده

با مطالعۀ یک غزل مشابه از وحشی بافقی، اسیر شهرستانی، صائب تبریزی، سیدای نسفی، بیدل دهلوی و رهی معیری و دارا بودن شرایط اقتفا، و با توجه به این که در سبک هندی، رسم استقبال و نظیره‌گویی به اوج رسید، دو سؤال پیش می‌آید: نخست این که شباهتها تصادفی است یا هدف، نظیره‌گویی بوده‌است؟ دوم چگونگی و شیوۀ بازآفرینی یک موضوع مشترک توسط این شاعران، که هر یک دارای سبک خاصی هستند. برای پاسخ به این سؤال غزلها در سه سطح زبانی، ادبی و فکری بررسی شد و نتیجه بدست آمده حاکی از این بود که صائب و اسیر غزل وحشی را نظیره‌گویی کرده‌اند و بیدل و سیدا غزل صائب را اقتفا نموده‌اند، که به نوعی اقتفا از غزل وحشی نیز هست، و رهی نیز از غزل وحشی و اسیر استقبال کرده‌است. میتوان گفت غزل ساده و درددل گونۀ وحشی در دورۀ سبک هندی در پیچ وتاب خیالات و مضمون‌پردازیها افتاد و در آن مضمونهای پراکنده از قبیل اخلاقی و عرفانی و ... گنجانده شد. اما پس از طی دو قرن دوباره به همان شیوۀ ساده و مضمون سابق برگشت. در حالی‌که، اسیر، شاعر خیالبند سبک هندی، در مضمون و لفظ غزل تغییرات چندانی نداد و غزل او به شیوۀ وحشی است، یعنی زبان ساده و بیان ماوقع.

کلمات کلیدی

سبک‌شناسی، اقتفا، وحشی بافقی، اسیر شهرستانی، صائب تبریزی، بیدل دهلوی، سیدای نسفی، رهی معیری

۱ . دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان nooshinkalan@yahoo.com

Archive of SID
www.SID.ir

مقدمه

اقتفا بطور خلاصه اینست که شاعری، شعر شاعر دیگر را در همان وزن و ردیف و قافیه تقلید کند. مقصود از این عمل غالباً آن بوده که شاعر، قدرت شعری خود را نشان دهد. زیرا شرط این بود که شعر تقلید شده حتماً از نمونهٔ اول بهتر باشد. البته گاه شاعران به مجرد این که از شعری خوششان می‌آمد به اقتفای آن میرفتند. اقتفا، از دیرباز در ادب فارسی مورد توجه بوده‌است وشاعران به رسم ارادت و احترام یا برای طبع‌آزمایی، شعر شاعران بزرگ را استقبال میکرده‌اند. به اقتفا، جواب، استقبال، تتبع، نظیره‌گویی و اقتباس نیز گفته-اند. در اقتفا اغلب اتحاد مضمون هم رعایت میشود.

اقتفا در سبک هندی، بسیار رواج داشته و مرسوم بوده که یک مضمون واحد را چندین نفر بسازند تا معلوم شود کدام بهتر ساخته است. (سیر غزل در شعر فارسی، شمیسا: ۲۱۵-۲۱۶) از شاعران این دوره کمتر کسی را میتوان یافت که در این راه، قدمی برنداشته و چند شعر از استادان معروف گذشته و معاصر، برای جواب گفتن انتخاب نکرده‌باشد (تاریخ ادبیات ایران، ج۵/۱، صفا: ۵۴۹)و به دلیل روابط ادبی گسترده، محدودیت منابع و یکسانی مطالعات شاعران، تشابه در مضمون و محتوای اشعارشان، از هر دوره ای بیشتر بود (نقد ادبی در سبک هندی، فتوحی :۹۸).

در بررسی غزلی مشابه از وحشی بافقی، اسیر شهرستانی، صائب تبریزی، سیدای نسفی، بیدل دهلوی و رهی معیری، با توجه به رواج نظیره‌گویی در بین شاعران سبک هندی و دارا بودن شرایط اقتفا، نیز پیروی رهی، شاعر معاصر، از شاعران سبک هندی و عراقی، دو سؤال پیش می‌آید. نخست این که شباهتها تصادفی است یا اقتفا در کار بوده‌است و دوم اینکه کیفیت پرداخت هر یک از این شاعران که دارای سبک خاصی هستند، به یک مضمون مشترک چگونه بوده است. برای پاسخ به این سؤال به بررسی سبک‌شناسانهٔ غزلها در سه سطح زبانی، ادبی و فکری پرداخته‌ایم. مفروض ما این است که غزل وحشی بافقی، مورد استقبال این شاعران قرار گرفته و تا دورهٔ معاصر، اقتفا از آن ادامه داشته است. در این مقاله پس از بررسی غزل در سه سطح زبانی، ادبی و فکری، نتیجه را به صورت آماری در جدول نشان میدهیم و در ادامه، وجوه اشتراک، افتراق و اقتباس شاعران را از یکدیگر تحلیل میکنیم.

شیوهٔ پژوهش: بر اساس روش سبک‌شناسی متون دکتر شمیسا در کتاب کلیات سبک شناسی است. اما گفتن چند نکته ضروری به نظر میرسد:

۱- در بخش ادبی، مسائل بدیع معنوی و علم بیان، مورد دقت و بررسی قرار گرفته‌اند.

۲-۱- بدیع معنوی: در بخش بدیع معنوی، با توجه به دورهٔ سبکی شاعران مورد نظر، صنایعی را که کاربرد بیشتری داشته‌اند، مورد توجه قرار گرفته‌اند.

Archive of SID

www.SID.ir

۲- در بخش زبانی، سطح آوایی، ابتدا به موسیقی بیرونی و موسیقی کناری یعنی وزن و ردیف و قافیه پرداخته شده و صنایع بدیع لفظی (انواع سجع و جناس و تکرار) ذیل عنوان موسیقی درونی قرار گرفته‌اند.

۲-۲- واژگانی: در سطح واژگانی، واژه‌های عربی، ترکیبات وصفی و اضافی و ترکیبات تازه گنجانده شده و به لغات مرکب اشاره نشده‌است.

۱-۲-۲- واژه‌های عربی: واژه‌های عربی هر غزل شمارش شده، ضمن اینکه اسامی خاص (تخلص شاعران) لحاظ نشده‌اند. در پایان، تعداد واژه‌های عربی هر غزل، در برابر واژه‌های فارسی آن غزل سنجیده شده‌اند. (واژه‌های مرکب و گروه فعلی، مانند: ، خنده عنوان، گوهر مصرع، نتوان زندگی کردن و ... یک واژه محسوب شده‌اند).

۲-۲-۲- ترکیبات تازه: در بین ترکیبات وصفی و اضافی ذکر شده اگر ترکیبی تازگی داشته و پیش از شاعر تقریباً در دیوان شاعر دیگری نیامده، ذیل این عنوان قرار گرفته‌است. برای یافتن ترکیبات تازه از نرم افزار درج ۳ استفاده شده‌است.

۳-۲- در سطح نحوی، به دلیل نزدیک بودن زمان سرایش اشعار و یکسان بودن ساختار دستوری جملات، به ذکر جملات نثری اکتفا و از پرداختن به دیگر موارد نحوی، خودداری شده‌است.

۱-۳-۲- جملات دارای منطق نثری: در هر غزل، تعداد جملاتی که ترتیب نحوی (فاعل- مفعول- فعل) در آن‌ها رعایت شده، نسبت به تعداد کل جملات، سنجیده شده‌است.

در بخش جدولها، هر گزینه دارای دو ستون است که ستون اول مربوط به تعداد موارد یافته شده در غزل و ستون دوم نشان دهندهٔ درصد ابیات دارای گزینهٔ مورد نظردر هر غزل است. به این صورت که مثلاً تعداد تشبیه در یک غزل، نسبت به تعداد ابیات آن غزل مقایسه و سنجیده شده و به صورت درصد نشان داده شده‌است.

پیشینه تحقیق: در زمینهٔ سبک شعری صائب، بیدل، اسیر و وحشی، کتابهای متعدد و مقالاتی چون محیط اعظم بیدل و سبک هندی، اسیر شهرستانی تکامل بخش سبک هندی، اسیر شهرستانی و سبک شعر او، بیدل و سبک هندی، نگاهی به مکتب واسوخت در تاریخ ادبیات ایران، وقوع سرایی وحشی بافقی در غزل و .... نوشته شده‌است. در خصوص اقتفای شاعران از یکدیگر و تأثیرپذیری سبکی نیز پایان‌نامه‌ها و مقالات زیادی نوشته شده-است.اما تا کنون تحقیق و پژوهشی منسجم دربارهٔ بررسی سبکی یک غزل مشترک و اقتفا شده توسط چند شاعر از مکتب وقوع تا دورهٔ معاصر و یا حداقل شاعران مورد نظر در این مقاله، صورت نگرفته‌است.

Archive of SID

www.SID.ir

۱- غزلها

غزل وحشی بافقی

از آن تر شد بخون دیده،دامانی که من دارم / که با تردامنان یارست جانانی که من دارم
اگر با من چنین ماند پریشان اختلاط من / از این بدتر شود حال پریشانی که من دارم
ز مردم گرچه میپوشم خراش سینهٔ خود را / ولی پیداست از چاک گریبانی که من دارم
کشم تا کی غم هجران،اجل گو قصد جانم کن / نمی‌ارزد به چندین‌دردسر جانی که من دارم
مپرس‌ازمن‌که ویران ازچه شدغمخانه‌ات وحشی / جهان ویران کنداین‌چشم گریانی‌که‌من دارم

(دیوان اشعار وحشی، غزل ۲۹۰)

غزل اسیر

نمیگنجدبه محشر فوج عصیانی که من دارم / اجل شرمندگیها دارد از جانی که من دارم
نگه‌دارد خدا از چشم بد،از چشم خوبش هم / کماندار آفتی برگشته مژگانی که من دارم
مرا درد تو می‌سازد به آیینی که می‌باید / بسوزد روزگار از درد پنهانی که من دارم
نمیپرسی، نمیخوانی، نمیجویی، نمی‌آیی / کجا دانسته‌ای حال پریشانی که من دارم
نمی‌دانم چه خواهد داد در محشرجواب من / ستمگر اول و آخر پشیمانی که من دارم

(دیوان اسیر شهرستانی، غزل ۷۴۹)

غزل صائب

زند پهلو به گردون کوه عصیانی که من دارم / به صد دریا نگردد پاک دامانی که من دارم
ز وحشت سایه بر گرد من مجنون نمیگردد / ندارد کعبه گرد خود، بیابانی که من دارم
تماشای بهشت از خلوتم بیرون نمی‌آرد / به است از جنت در بسته، زندانی که من دارم
ز سهمش پنجهٔ شیران چو برگ بید میلرزد / درون سینه از تیرش نیستانی که من دارم
ز اکسیر قناعت میشمارم نعمت الوان / اگر رنگین به خون گردد لب نانی که من دارم
توکل میدهد سامان کار من به آسانی / ندارد هیچ رهرو، میر سامانی که من دارم
ز مدّ عمر جاویدان ندارد کوتهی صائب / ز دست و تیغ او، زخم نمایانی که من دارم

(دیوان صائب، غزل ۵۵۶۱)

سیدای نسفی در ترجیع بند مخمسی غزل صائب را استقبال کرده است و در هر بند بیتی از غزل صائب تضمین کرده‌است.

سیدای نسفی

نسازد توبه از کردار خود،جانی که من دارم / نمی‌آید به خود تا حشر، نسیانی که من دارم
نمیگنجد به عالم، جرم پنهانی که من دارم / زند پهلو به گردون کوه عصیانی که من دارم

به صد دریا نگردد پاک، دامانی که من دارم

Archive of SID

www.SID.ir

درآن وادی‌که من‌هستم بجزگردون نمیگردد — بـرای دسـتگیری رهبـری بیـرون نمیگـردد
یقینم شد که لیلی همدم مجنون نمیگـردد — ز وحشت سایه بـر گـرد مـن مجنـون نمیگـردد

ندارد کعبه گرد خود، بیـــابانی که من دارم

در این ایام گردون حاجتم بیرون نمـی‌آرد — هـوس دیگـر ز کـنج عـزلتم بیـرون نمـی‌آرد
به تکلیف آفتاب از صحبتم بیرون نمی‌آرد — تماشـای بهشـت از خلـوتم بیـرون نمـی‌آرد

به است از جنت دربسته، زندانی که من دارم

مرا در گوشهٔ محنت فکنده گـردش دوران — بـه پـای افکنـده‌ام زنجیـر، از کوتـاهی دامـان
نباشـد در دل مـن آرزوی میـوهٔ بسـتان — ز اکسـیر قناعـت میشـمارم نعمـت الـوان

اگر رنگین به خون گردد لب نانی که من دارم

کمانداری که از بیمش سر خورشید میلـرزد — بـه دامـن‌گیـری او، بـازوی امیـد میلـرزد
بخود از غیرت او رسـتم و جمشـید میلـرزد — ز سهمش پنجهٔ شیران چـو بـرگ بیـد میلـرزد

درون سینه از تیرش، نیستـــانی که من دارم

مرا چون سیّدا برد آن نگار خرگهـی، صـائب — نباشـد هـیچ‌کـس را زان پریـرو آگهـی، صـائب
بزلفش میتوان چون خضرکردن همرهی،صائب — ز مـد عمـر جاویـدان نـدارد کـوتهی، صـائب

ز دست و تیغ او، زخم نمـــایانی که من دارم

(دیوان سیدای نسفی، مخمس ۶۶)

غزل بیدل دهلوی

مپرسید از معاش خنده‌عنوانی که مـن دارم — از آب ناشـتا تـر میشـود نـانی کـه مـن دارم
دو روزم بایـد از ابـرام هسـتی آب گردیـدن — بجز ننگ فضولی نیست مهمـانی کـه مـن دارم
دل آواره بـا هـیچ الفتـی راضـی نمیگـردد — چه سازم چارهٔ ایـن خانـه‌ویرانـی کـه مـن دارم
جدا زان جلوه نتوان اینقدرها زندگی کـردن — به خارا تیشه می‌باید زد از جـانی کـه مـن دارم
ز شوخی قاصدش هر گـام دارد بازگردیـدن — به رنگ سـودن دسـت پشـیمانی کـه مـن دارم
ز گـل‌چینـان بـاغ آرزوی کیسـتم یـارب — پـر طـاووس دارد گـرد دامـانی کـه مـن دارم
ندارد جز تأمل مـوج، گـوهرمصـرعی دیگـر — همین یک نکته است انشای دیوانی که من دارم
ز رنگ‌آمیـزی ایـن بـاغ، عبـرت برنمـی‌آیـد — به غیر از نقشـبند طـاق نسـیانی کـه مـن دارم
به حیرت‌رفت‌عمر و بر یقین‌نگشودم آغوشی — به چشم بسـته بربندنـد مژگـانی کـه مـن دارم
نمیدانم چسـان از شـرم نـادانی بـرون آیـد — بـه زنـار آشـنا ناگشـته ایمـانی کـه مـن دارم

Archive of SID

www.SID.ir

کفیل عذر یک عالم خطا، طرفی دگر دارد
چوشمع از فکر خود تا خاک‌گشتن برنمیآید

حیا بر دوش زحمت بست تاوانی که من دارم
گریبان‌هاست بیدل در گریبانی که من دارم
(دیوان بیدل، ص ۱۱۳۸)

غزل رهی معیری

زخون رنگین بود چون لاله دامانی‌که من دارم
بود صدپاره همچون گل، گریبانی که من دارم

مپرس‌ای همنشین‌احوال‌زارمن،که‌چون زلفش
پریشان گردی از حال پریشانی که من دارم

سیه‌روزان فراوانند، اما کی بود کس را
چنین صبر کم و درد فراوانی که من دارم

غم عشق تو هر دم آتشی در دل برافروزد
بسوزد خانه را، ناخوانده مهمانی که من دارم

به ترک جان مسکین از غم دل راضیم، اما
به لب از ناتوانی کی رسد، جانی که من دارم

بگفتم چارهٔ کار دل سرگشته کن، گفتا
بسازد کار او برگشته مژگانی که من دارم

ندارد صبح روشن روی خندانی که او دارد
ندارد ابر نیسان چشم گریانی که من دارم

زخون رنگین بودچون برگ گل‌اوراق این دفتر
مصیبت نامهٔ دلهاست، دیوانی که من دارم

رهی از موج گیسویی دلم چون اشک میلرزد
به مویی بسته امشب، رشتهٔ جانی که من دارم
(کلیات اشعار رهی معیری، ص۱۲۵)

۲- جدولها

بخش ادبی

بدیع

	وحشی		اسیر		صائب		بیدل		سیدا		رهی	
تناسب	5	100%	5	100%	9	128%	13	108%	۲۵	٪۱۶۶	16	177%
تضاد	0	0	3	60%	2	28%	4	33%	۴	٪۲۶	2	22%
ایهام	5	100%	2	40%	5	71%	8	66%	۱۱	٪۷۳	7	77%
ایهام تناسب	1	20%	2	40%	1	14%	4	33%	۸	٪۵۳	4	44%
انواع دیگرایهام	3	60%	0	0	2	28%	2	16%	۴	٪۲۶	2	22%
استخدام	0	0	0	0	0	0	1	8%	۱	٪۶	3	33%
حسن تعلیل	1	20%	0	0	1	14%	0	0	۰	۰	1	11%
اسلوب معادله	0	0	0	0	۱	14%	0	0	۰	۰	0	0

Archive of SID

www.SID.ir

بیان

	وحشی		اسیر		صائب		بیدل		سیدا		رهی	
تشبیه	1	٪20	1	٪20	5	٪71	۸	٪۶۶	۸	٪۵۳	9	٪100
مجاز	1	٪20	1	٪20	1	٪14	1	٪8	۲	٪۱۳	4	٪44
استعاره	۳	٪۶۰	۴	٪۸۰	۶	٪۸۵	۸	٪۶۶	۱۵	٪۱۰۰	4	٪44
کنایه	3	٪60	3	٪60	۲	٪۲۸	۵	٪۴۱	۸	٪۵۳	5	٪55

بخش زبان

سطح آوایی

	وحشی		اسیر		صائب		بیدل		سیدا		رهی	
سجع	8	٪160	11	220 ٪	9	٪128	20	٪166	۱۱	٪۷۳	12	٪133
جناس	4	٪80	3	٪60	4	٪57	7	٪58	۵	٪۳۳	8	٪88
تکراروا ژه	6	٪120	3	٪60	3	٪42	1	٪8	۰	۰	5	٪55
تکـــرار قافیه	0	0	0	0	0	0	1	8%	۰	۰	0	0
عیـــب قافیه	0	0	1	20%	0	0	0	0	۰	۰	0	0

سطح واژگانی

	وحشی		اسیر		صائب		بیدل		سیدا		رهی	
واژهٔعـر بی	10	٪۱۰	10	٪17	12	٪13	22	٪14	۲۵	٪۱۳	14	٪11
ترکیب وصفی	4	٪36	6	٪66	5	٪27	6	٪28	۹	٪۳۲	13	٪54
ترکیب اضافی	7	٪63	3	٪33	13	٪72	15	٪71	۱۹	٪۶۷	11	٪45
ترکیب تازه	۱	٪14	3	٪33	4	٪22	۱۱	٪۵۲	۲	٪۷	۲	۸.۳ ٪

Archive of SID

www.SID.ir

سطح نحوی

	وحشی		اسیر		صائب		بیدل		سیدا		رهی	
جملهٔ نثری	۱	٪۵	۰	۰	۲	٪۱۰	۶	٪۱۵	۱۲	٪۲۷.۹	۷	٪۲۵

۲- تحلیل

بدیع معنوی

تناسب در همهٔ غزلها، پربسامد است و روندی صعودی، مطابق با سیر زمان، دارد. یعنی هر چه از غزل وحشی به سوی غزل رهی پیشتر برویم کاربرد تناسب بیشتر میشود، که میتوان گفت به دلیل توجه روزافزون شاعران به تناسبات لفظی و گسترش مطالعات آنان است. تناسب از صنایع مهم و مورد توجه در سبک هندی است و دکتر شمیسا آن را در کنار ایهام و تلمیح از آرایه‌های پربسامد این سبک یاد کرده‌اند. (سیر غزل در شعر فارسی، شمیسا: ۱۸۶) درصد تناسب در غزل رهی، شاعر معاصر، از همه بیشتر است و در غزل اسیر و بیدل، به غزل وحشی نزدیکتر است. ایهام،که خصیصهٔ سبک هندی است، در غزل وحشی بیشترین بسامد را دارد و پس از او رهی و سیدا قرار دارند و غزل شاعران شاخص این سبک یعنی صائب، بیدل و اسیر، با این‌که از حیث کاربرد ایهام سرآمد دیگرانند، در این غزل در مراتب آخر قرار دارد و این فرضیهٔ اقتفا از غزل وحشی و کوشش برای نزدیک شدن به شیوهٔ او را تقویت میکند. کاربرد ایهام تناسب بیش از دیگر انواع ایهام بوده‌است. تنها در غزل وحشی ایهام تناسب کمتری به کار رفته و انواع دیگر ایهام کاربرد پررنگتری دارد، چون شاعران دورهٔ سبک هندی از میان انواع ایهام به ایهام تناسب گرایش بیشتری داشته‌اند. اسلوب معادله و حسن تعلیل نیز که از آرایه‌های پرکاربرد و مورد توجه در سبک هندی است، در غزل مذکور کاربرد معنی داری نداشته (و این یکی دیگر از شواهد اقتفا از غزل وحشی است). فقط در غزل صائب یک مورد اسلوب معادله هست. در غزل وحشی و صائب یکی دو مورد حسن تعلیل به کار رفته است و در غزل رهی، حسن تعلیل و استخدام بیشترین کاربرد را داشته، چون رهی از غزلسرایان کلاسیک‌گراست و خصوصاً به غزل صائب علاقه و توجه دارد. در بخش بدیع معنوی، شواهد حاکی از این است که تقریباً در همهٔ غزلها، سعی بر این بوده‌است که شباهت و قرابت با غزل وحشی حفظ شود و شاعران سبک هندی از صنایع پرکاربرد سبک هندی، کمترین استفاده را کرده‌اند تا غزلشان از هر حیث به غزل وحشی، نزدیک شود.

Archive of SID

www.SID.ir

بیان

از میان صور خیال، تشبیه، استعاره و کنایه پربسامد هستند (در بخش زبانی به یکی از عوامل بسامد استعاره و کنایه در این غزل‌ها، اشاره خواهیم کرد.) تشبیه درغزل رهی پربسامدتر از دیگر غزلهاست و پس از او در غزل صائب، بیدل و سیدا بیشترین کاربرد را دارد. پایین‌ترین حد استفاده از تشبیه در غزل وحشی و اسیر است. سیدا بیشترین استعاره را بکار برده و پس از او به ترتیب صائب، اسیر، وحشی، بیدل و رهی قرار دارند. دکتر شفیعی کدکنی زیاد شدن استعاره و کم شدن تشبیه را در غزل، گویای روند تحول و تبدیل تشبیه به استعاره در طول زمان میداند. (صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی: ۱۱۸) اما در اینجا شاهد روندی عکس، یعنی افزایش تشبیه و کاهش استعاره هستیم. عموماً غزل وحشی در مقابل غزل شاعرانی چون بیدل و صائب و اسیر، به مراتب ساده‌تر است. بویژه اینکه وحشی و چند تن از معاصرانش، در پی بنیان نهادن غزل بر پایهٔ ساده‌گویی بوده‌اند. اما این که در این غزل، کاربرد تشبیه و استعاره همپای شاعران خیالبندی چون بیدل و اسیر است، دال بر اقتفای آنان از غزل وحشی است که خواسته‌اند به شیوهٔ وقوع‌گویی و سادگی غزل وحشی نزدیک شوند. مخصوصاً اسیر که کمترین استعاره را دارد. در حالی‌که در بررسی غزلهای اسیر و صائب، بسامد استعاره در غزل او، از غزل صائب نیز بیشتر است. (نک: بررسی سبک شناسانهٔ تأثرات صائب از اسیر شهرستانی ، بابافغانی شیرازی و محتشم کاشانی، کلانتر: ۱۵۷) در کنایه، بیشترین بسامد را غزل وحشی و اسیر، و پس از آنها، رهی، سیدا، بیدل و صائب دارند. غزل اسیر در سوزناکی و وقوعی بودن هم به غزل وحشی، شبیه است. اما گرایش وحشی به استعاره و کنایه، شاید به علت غلبهٔ شور و غوغای درون، تنگی مجال و گنجایش کم واژه‌های عادی برای بیان عواطف، سوز دل و حالات لطیف شاعرانه باشد. چون معمولاً از صنعتهای شعری و سخن بازیها در شعر او خبری نیست و برای آرایش کلام، تنها از تشبیه و تضمین بهره مند گشته‌است. (دیوان وحشی، مقدمهٔ آذران: ۱۲۰).

در بخش ادبی، غزل اسیر و رهی، و پس از این دو غزل صائب، بیشترین شباهتها را با غزل وحشی دارند.

بخش زبانی

سطح آوایی

موسیقی بیرونی: همهٔ غزلها در بحر هزج مثمن سالم سروده شده‌اند، که از اوزان بلند، سنگین و پر استعمال شعر فارسی است (آشنایی با عروض و قافیه، شمیسا: ۴۴) و با موضوعاتی که این شاعران در غزل خود آورده‌اند، تناسب و هماهنگی دارد. این وزن، متین و در عین حال با

Archive of SID

www.SID.ir

اندکی جنبش و هیجان همراه است. اوزان اینچنینی، در قرون یـازدهم و دوازدهـم بـیش از پیش مورد اقبال و توجه غزلسرایان قرار گرفتند، که از حیث اجتماعی و فکری، مرتبط است با آثار حزن و اندوهی که در اثر حملهٔ مغول و عواقب اسفبار آن، به مرور، وارد غـزل شـده و در اوزان متوسط و بلند ثقیل بروز کرده‌بود و تا قرون دهم و یازدهم ادامه داشت. (سـیر غـزل در شعر فارسی، شمیسا: ۲۲۶)

موسیقی کناری

ردیف: غزلها مرّدف به ردیف فعلی هستند. ردیف در این غزلها، علاوه بر اینکه موسیقی شعر را غنی کرده‌است، به دلیل محدودیتی که در انتخاب الفاظ ایجاد میکند، موجب بکار گرفتن هرچه بیشتر استعاره و کنایه شده‌است. به نظر دکتر شفیعی کدکنی، یکی از نقشهای ردیف، تأثیری است که در ایجاد تعبیرات خاص زبان شعر و توسعهٔ مجازها و استعاره‌ها دارد (موسیقی شعر، شفیعی کدکنی :۱۴۲). از طرفی فعلی بودن ردیف، روانی و ایجاز جملات و ابیات را سبب شده-است. ردیف از یک جهت شاعر را محدود میکند و آزادی معانی و تخیلات را از او میگیـرد و از طرفی دیگر، جهت این تداعی محدود، در طرفی که باز است، آفاق بازتری در پیش چشم شاعر می‌آورد که در تداعی آزاد معانی از قافیه امکان‌پذیر نیست. هنگامی که شاعر ردیف در اختیار داشته‌باشد، مجال تـأمل بیشتری برای یافتن مفهومی جدید دارد (همان: ۱۴۰).

قافیه: قافیه‌های بکار رفته در این غزلها عموماً ساده‌اند و از واژه‌های دور از ذهن و غریب در قافیه استفاده نشده‌است. بعضی از کلمات قافیه، در دو یا چند غزل مشـترک اسـت. ایـن واژه‌های مشترک، مفاهیم مشترک را تداعی میکند و یکی از دلایل شباهت غزلهای اقتفایی نیز همین است. یکی از مهمترین هنرهای قافیه در یک شعر، تـأثیری اسـت کـه در حفـظ وحدت احساس و حالت هنرمند دارد. هنگامی که قافیه می‌آید، خواننده یا شـنونده بـه یـاد قرینه می‌افتد و از آن قرینه مطالبی را که با آن پیوستگی دارند، تداعی میکند. ایـن تـداعی باعث میشود که وحدت ذهنی و حالت کلی تأملات شاعر، به خواننده منتقل شود (موسیقی شعر، شفیعی کدکنی: ۷۹). وقتی در دو غزل ردیف و واژهٔ قافیـه، یکـی باشـد، غالبـاً شـباهت مضـمون و مفهوم را به دنبال خواهدداشت. از سوی دیگر،وقتی مفهومی یا اندیشه‌ای شاعرانه در زمینهٔ ذهن هنرمند پیدا شود، از تداعی قافیه‌ها به عنوان یک نیـروی ذهنـی میتوانـد بهـره ببـرد (همان: ۹۰). پس نکتهٔ مهم این است که شـاعر، مضـمون تـداعی‌شـده را در خـدمت بیـان چـه اندیشه‌ای به کار برد.

برای مثال، در این غزل، قافیهٔ «عصیان» را صائب و اسیر (در بیت اول) برای بیـان یـک مضمون به کار برده‌اند و اندیشه نیز مشـترک بـه نظـر مـی‌آیـد، امـا در ابیـات بعـد، اسـیر، اندیشه‌ای متفاوت با غزل صائب دارد و اندیشهٔ او در بیت اول، عـاریتی اسـت کـه نـاظر بـر

Archive of SID

www.SID.ir

اقتفای وی از غزل صائب است. قافیهٔ «مژگان»،در غزل اسیر و رهی مضمونی مشترک را تداعی کرده است اما مژگان در غزل رهی، برای کشتن عاشق به کار رفته و در غزل اسیر صفتی مثبت است و شاعر از خدا میخواهد از چشم حسودان محفوظ بماند. همین قافیه در غزل بیدل مضمونی کاملاً متفاوت را بیان میکند و در عین حال اندیشهٔ او نیز متفاوت است. قافیهٔ «دامان» در غزل صائب، مضمون آلوده دامن بودن او در محضر خداوند و اندیشهٔ عارفانهٔ شاعر را بیان میکند، در غزل بیدل یادآور مفهومی عرفانی است و در غزل رهی برای بیان اندیشه‌ای عاشقانه را به کار رفته‌است.

موسیقی درونی

سجع و جناس: سجع پربسامدترین صنعت لفظی است و در غزل شاعران سبک هندی از جمله اسیر و بیدل و پس از آنها وحشی بالاترین بسامد را دارد. کاربرد جناس نیز مورد توجه است و در غزل رهی، وحشی و اسیر بیشترین کاربرد را دارد که بیانگر توجه شاعران مذکور به زیبایی لفظی است.

تکرار واژه: وحشی و اسیر و سپس رهی و صائب از تکرار واژه در غنای موسیقی شعر بهره برده‌اند. تکرار واژه در غزل سیدا کمترین کاربرد را دارد. در کل، توجه وحشی و اسیر و رهی، به موسیقی درونی بیش از دیگران بوده‌است و غزل آنها در سطح موسیقایی، به هم شبیه است. سیدا چندان توجهی به صنایع لفظی و موسیقایی ندارد و حتی کمتر از صائب سجع و جناس و تکرار به کار برده‌است.

سطح لغوی

واژه‌های عربی: تعداد واژه‌های عربی در همهٔ غزلها کم و در غزل رهی، از همه کمتر است. پس از رهی، سیدا، صائب و وحشی کمترین واژهٔ عربی را به کار برده‌اند. رهی از شاعران سنت‌پرداز دورهٔ معاصر است. با وجود اقبال او به شعر شاعران کلاسیک، به دلیل اینکه در دورهٔ رواج توجه به زبان فارسی می‌زیسته، واژه‌های عربی زیادی بکار نبرده‌است. وحشی نیز از به کار بردن واژه‌های خشن عربی و ترکیبهای ناهنجار، تا جایی که توانسته، پرهیز کرده و چه بسا در رواج دادن واژه‌های زیبای فارسی کوشیده‌است (دیوان وحشی، مقدمهٔ آذران: ۱۱۷). «درشعر او تا آنجا که ممکن است از واژه‌های دشوار و ترکیبات عربی ناهموار خبری نیست و به جای آن از واژه‌ها و ترکیبهای متداول زمان، بسیاراستفاده شده‌است». (تاریخ ادبیات ایران، صفا، ج ۵/۲: ۷۶۸) غزل صائب، اسیر، بیدل و سیدا نیز دنبالهٔ شیوهٔ او و مربوط به سدهٔ دهم تا دوازدهم است، یعنی دوره‌ای که به سبب رسمیت تشیع، توجه دربار صفوی به زبان عربی معطوف بود. دکتر صفا این دوره را، دورهٔ جدیدی از نفوذ فرهنگ و زبان عربی در ایران میدانند. اما

Archive of SID

www.SID.ir

دلیل برکنار ماندن شعر و ادب فارسی از این نفوذ را میتوان توجه دربار گورکانی بـه زبـان و شعر فارسی، روی آوردن شاعران به دربار هند وبنا نهادن غزل بر ساده‌گویی توسط بابافغانی و وحشی و هم‌طرازانشان دانست که موجب امتداد این شیوه در دورهٔ مذکور شـد (تـاریخ ادبیـات ایران، ترابـی، ج ۴: ۲۰۷ و ۲۴۰). صائب نیز به پیروی از بابافغـانی، واژه‌هـا و عبـارات جدیـد و عامیانـهٔ فارسی را وارد شعر کرد. اسیر و بیدل و سیدا نیز ازشیوهٔ او پیـروی میکـرده‌انـد. پـس علـت دیگر کمی واژه‌های عربی را، میتوان تقلید و اقتفای شاعران مورد بحث از یکدیگر دانست.

ترکیبهای وصفی و اضافی: در غزل اسیر، رهی و وحشی، ترکیبات وصفی بیشتر بـه کـار رفته‌است، چون غزل آنان ساده و مانند اشعار مکتب وقوع، بیشـتر وصـف حـالات و صـفات معشوق است. اما در غزل صائب، بیدل و سیدا، به دلیل ترکیب‌سازیها و مضـمون‌پردازیهـای این شاعران، ترکیبات اضافی بیشتر مورد توجه و استعمال قرار گرفته‌اند.

ترکیبات تازه: ترکیب‌سازی یکی دیگر از موارد پرکاربرد و مورد توجـه در سـبک هنـدی است. چون یکی از معیارهای قدرت شاعری، ساختن بیت برجسته یا مصرع برجسـته بـود و شاعران سبک هندی، که میخواستند معنی بسیار را در لفظ انـدک بگنجاننـد، بـرای کوتـاه کردن لفظ، یک جمله را در ترکیبی دو یا سه واژه‌ای خلاصه میکردند. از ایـن رو کلامشـان ایجاز بیشتری داشت. ترکیب‌سازی در غزل شاعران شاخص این سبک، مانند صائب، بیدل و کلیم بسامد بالایی دارد. در این غزل بیشترین ترکیبسازی را بیدل انجام داده‌است و پـس از او صائب و اسیر، از ترکیبات تازه بهره برده‌اند. سیدا کمترین ترکیب‌سـازی را دارد و بیشـتر ترکیبات غزل صائب را در غزل خود به‌کار برده‌است. وحشی به آوردن ترکیبهای تازه توجـه چندانی نداشته است، چون در مکتب وقوع، ساده‌گـویی مـلاک بـود و ابتکـار شـاعران ایـن مکتب، وارد کردن لغات و ترکیبات عامیانه در غزل بود و هنوز عرصهٔ لفظ آنچنان بـر شـاعر تنگ نشده‌بود که به فشردن یک عبارت یا جمله در یک ترکیب دو واژه‌ای روی آورد.

سطح نحوی

در سطح نحوی، حاکمیت منطق نثر، روندی افزایشی دارد و هر چـه از غـزل مکتـب وقـوع (وحشی) به غزل معاصر (رهی) نزدیک میشویم، منطق نثر بیشتر بر غزل سایه می‌افکند که با ساده‌گویی شاعران بی‌ارتباط نیسـت. وحشـی در سـرودن کلیـهٔ اشـعارش بیـان سـاده را برگزیده‌است. یکی از ویژگیهای غزل وقوع، سادگی بیان است که منجر بـه نثرگـونگی شـعر میشود، اما این‌که در غزل شاعرانی چون اسیر و صائب و بیدل هم این منطق حـاکم اسـت، مربوط میشود به: الف) نقش ردیف: در غزل مورد بحث، ردیف، فعلی اسـت. یعنـی بیـت بـه فعل ختم میشود و ارکان جمله چندان جابجایی ندارند. حال اگر ردیف، اسـم بـود، طبیعتـاً ساختار جمله پیچیده‌تر میشد. ب) تأثیر و تأثر شاعران از یکدیگر. چون حتی صائب و بیدل،

Archive of SID

www.SID.ir

که شاعران شاخص سبک هندی هستند و در غزلهای آنان، ابیات پیچیده کم نیست، در این غزل منطق نثر بر اکثر ابیاتشان حاکم است.

بخش فکری

میدانیم که ویژگیهای ادبی و زبانی متأثر از فکر و اندیشهٔ شاعر است. در بخش ادبی و زبانی به برخی ویژگیهای فکری مؤثر بر غزلها اشاره شد. در ادامه مختصات فکری شاعران مورد بحث را- در این غزل- به تفکیک تحلیل و بررسی میکنیم.

غزل وحشی

غزل وحشی مانند سایر غزلیات او عاشقانه، ساده و پرسوز و گداز است. سوز و گداز، ویژگی بارز زبان وحشی است که از عقیده و فکر او نشأت میگیرد:

سخن کز سوز دل تابی ندارد چکد گر آب از او، آبی ندارد

(دیوان وحشی: ص۷۹۱)

او که در جهان عشق و شیدایی و سوز و گداز و دلباختگی، یگانه و بی مانند است، در این غزل به شکوه از معشوق زمینی پرداخته‌است و صفاتی چون همنشینی با تردامنان، پریشان اختلاطی و بی وفایی را به معشوق خود نسبت داده‌است. او در اکثر غزلیات خود از بی‌وفایی و بی‌توجهی معشوق مینالد و وی را از هم‌صحبتی با رقیبان بر حذر میدارد. وحشی را بانی طرز «واسوخت» میدانند. غزلها و ترجیع‌بندهای واسوختی او، در نوع خود کم‌نظیر است. از نشانه‌های واسوخت در این غزل، تردامن خواندن هم‌صحبتان معشوق و به تنگ آمدن از غم هجران اوست، تا جایی‌که مرگ را بر دردسر عشق ترجیح میدهد. کلام او در ظاهر ساده و بی پیرایه به نظر میرسد اما همان‌طور که دیدیم، از حیث زبانی و ادبی با غزل شاعران دیگر تفاوت چندانی ندارد و این هنر وحشی است که با وجود اینکه از صنایع ادبی در غزل بهره میبرد، چون بدان چاشنی سوز، میزند - و به بیان ماوقع میپردازد- غزلش دلنشین و مورد قبول همگان واقع میشود.

غزل صائب

معشوق غزل صائب عرفانی است و با معشوق غزل وحشی فرق دارد. غزلی که معشوق آن زمینی باشد، در دیوان صائب معدود است. او اگر هم به عشق پرداخته‌باشد، از حیث مضمون‌پردازی است. گرچه در دیوان او غزلهایی هست که از سر شور و عشق ، سروده‌است، اما تعداد چنین غزلهایی در مقابل حجم زیاد غزلیات او اندک است. (بررسی سبک شناسانهٔ تأثرات صائب ... کلانتر: ۷۸) در کل «از وی در باب عشق جز ابیات معدودی، آن هم وارفته و بی‌حال، چیزی در دست نیست». (نگاهی به صائب، دشتی: ۴۲) در این غزل، او مضامین عرفانیی چون خلوت،

Archive of SID

www.SID.ir

قناعت و توکل بکار برده و با وجود مضمون‌آفرینی در هر بیت، کلیت غزل منسجم است. در واقع آنچه میتوان وی را بدان ستود، بیان نکته‌های ظریف اخلاقی و ملاحظات ارزندهٔ اجتماعی است. (همان: ۴۳) صائب مضمونهای بدیع خود را، از حوادث واقعی زندگی و مشهورات روزانه گرفته‌است که علاوه بر جنبه‌های روحانی، در دیوان وی گسترده است. (همان:۳۱) غزل صائب از حیث فکری تقریباً وجه اشتراکی با غزل وحشی ندارد، زیرا همان‌طور که اشاره شد، او به مضامین عشقی، آن‌هم از نوع زمینی، علاقهٔ چندانی نداشته و بیشتر به مضامین اخلاقی و عرفانی توجه داشته‌است. همانطورکه گفتیم واژهٔ قافیهٔ دامان، در غزل صائب و وحشی مشترک است اما مضمون و اندیشهٔ متفاوتی را در بر دارد.

سیدای نسفی

سیدای نسفی در ترکیب‌بند خود، به استقبال غزل صائب رفته و در هر بند، بیتی از غزل او را تضمین کرده‌است. به همین دلیل، موضوع غزل او کاملاً به موضوع غزل صائب شباهت دارد. او در هر بند، با بیت تضمینی، مضمون‌پردازی کرده و شعر خود را به بیت پایانی غزل صائب و نام او، ختم نموده است. معشوق او- در بند پنجم- با توجه به مضمون کلی شعر و مضمون غزل صائب که پیش روی او بوده‌است، معشوقِ عرفانی باید باشد. اشتراک مضمون در شعر او بحدی است که باید گفت اندیشه را نیز از صائب به وام گرفته است. به همین خاطر، شعر او مطلب و فکر جدیدی در بر ندارد و فقط مضمونهای غزل صائب را بسط داده است. سیدا چند غزل صائب را به همین شکل جواب گفته و البته بخوبی از عهدهٔ آن برآمده‌است. گویا او شیفتگی خاصی به صائب و طرز او داشته است و یا میخواسته در برابر او هنرنمایی کند.

غزل اسیر

غزل اسیر عاشقانه است و با اینکه در بیت اول اخلاقی و به غزل صائب شبیه است، ابیات دیگر آن عاشقانه و به غزل وحشی نزدیک است. اسیر غزل عاشقانه زیاد دارد، اما اکثر آنها به زبانی سخیف و مشکل سروده شده‌اند که بیانگر کوشش وی در تقلید از شیوهٔ شاعران هندی است. اسیر را شاعری خیالبند میدانند. دکتر صفا میگوید: او بنیاد معانی خود را چنان بر تخیل و توهم نهاده که هیچ نکته و مضمون تازه‌ای در سخنش خالی از آن نیست. این بنیانگذاری سخن بر تخیل، موجب بکار بردن تشبیه‌ها یا خلق ترکیبهای مجازی و استعاری بسیار تازه در سخن او شد. (تاریخ ادبیات ایران، صفا، ج۵/۲: ۱۲۱۵) اما در این غزل، چنان که گفتیم، نمیتوان به حکمهای کلی اکتفا و استناد کرد. چون در این غزل، از خیال‌بندیها و ترکیبهای مجازی و استعاری دشوار، خبری نیست. زبان و بیان او ساده و موجز است و معنا پیچیده نیست و خیلی کمتر از دیگر غزلهایش، مجاز و استعاره دارد. به احتمال قوی

Archive of SID

www.SID.ir

میخواسته به غزل وحشی و شیوهٔ او نزدیک شود. مضمون غزل او نیز شبیه به مضمون غزل وحشی است. از جمله، پریشانحالی شاعر، خو گرفتن با غم معشوق و ستمگری و بی‌توجهی معشوق، مضامین مشترک با غزل وحشی هستند. بی‌توجهی و ستمگری که از صفات معشوق اسیر است، صفت معشوق وحشی نیز هست. «جان» و «پریشان»، قافیه‌های مشترک غزل اسیر و وحشی هستند که موجب شکل گرفتن مضمونهای مشترکی گشته‌اند.

غزل بیدل

غزل بیدل عرفانی است و شباهتهایی با غزل صائب دارد. مفاهیم عرفانی، اخلاقی و مسایل ادبی، مضمون غزل او را تشکیل میدهد. تلمیحات و اشارات دشوار در کنار تنوع مضمون، ویژگی غزل مذکور است. اندیشهٔ بلند و پیچیدهٔ بیدل و خلق ترکیبات بدیعی چون معاش خنده عنوان، ابرام هستی، پر طاووسِ گردِ دامان، گوهر مصرع، نقشبند طاق نسیان، به زنار آشنا ناگشته ایمان، کفیل عذر یک عالم خطا و دوش زحمت، موجب ایجاز و پیچیدگی معنا در غزل او شده است. بیدل شاعری است لبریز از تخیل و سرشار از تشبیهات و استعاره‌های تازه و غریب. گویی در ذهن او جوشی و غوغایی است که بیان ساده از تقریر آن ناتوان است و به ناچار به مجاز و تشبیه و استعاره روی آورده است. چیزی که بر ابهام و غموض او می‌افزاید تصوف و جهش اوست به سوی امور روحانی و مافوق‌الطبیعه. که همهٔ آنها نمایشگر فکر دقیق و تصورات گریزان و پیچیدهٔ اوست. (نگاهی به صائب، دشتی: ۱۶-۱۷) ابهام شعر او، از پیچیدن در جامهٔ تشبیه‌ها و استعاره‌های دیریاب خیالی و بنا نهادن کلام بر آنها حاصل میشود. (تاریخ ادبیات ایران، صفا، ج ۵/۱: ۱۳۷۹) با توجه به اشتراک مضمون غزل صائب و بیدل، میتوان ادعا کرد، بیدل غزل صائب را سرمشق قرار داده یا حداقل به آن نظر داشته‌است. اما تفاوتهایی که در دو غزل دیده میشود ناشی از این است که «بیدل سرگرم بیرون ریختن پندارهای خویش است و قریحهٔ صائب از حوادث زندگی و مشاهدات پیرامون او، مایه میگیرد. صائب تمایل محسوسی به مطالب عرفانی دارد ولی آن مطالب نقطهٔ محوری قریحهٔ وی نیست، در صورتی که بیدل مفتون و محسور تصورات صوفیانه است و از آن دایره بیرون نمیرود، مگر از راه تفنن. بیدل چندین سال پس از صائب- زمانی که در هندوستان، پیروی از شیوهٔ صائب رواج داشت- به میدان آمد، پس طبعاً از وی رنگ پذیرفته‌است. بسیاری از کلمات و تعبیرات و ترکیب‌های وصفی دیوان بیدل این فرض را تایید میکند.» (نگاهی به صائب، دشتی: ۲۶)

Archive of SID

www.SID.ir

غزل رهی

غزل رهی عاشقانه و پرسوز و گداز است. شکوه از غم هجران و جفاکاری معشوق، موضوع کلی غزل او را تشکیل داده‌است. زلف پریشان، برگشته مژگان، روی خندان صفات معشوق رهی است که معشوق اسیر را تداعی میکند. خون به دامان بودن، گریبان‌چاکی، پریشان حالی و گریان بودن، از مشترکات غزل رهی و وحشی است. دامان، گریبان، حال پریشان، جان و چشم گریان، قافیه‌های مشترک غزل رهی و وحشی هستند. (پیش ازاین به ارتباط قافیه‌های مشترک و تداعی مضامین مشترک، اشاره کردیم.)

رهی از شاعران سنتگرای معاصر است و بی‌گمان از گذشتگان تأثیر پذیرفته، ولی هیچگاه استقلال اندیشه و شیوهٔ بیان خود را از یاد نبرده‌است. او مضمون‌آفرینیها و نازکخیالیهای همانند صائب را چاشنی شیوهٔ و زبان سعدی میکند و به لطافت و ظرافت آن رنگ و بوی دیگری میدهد، بی‌آنکه به فروافتادگی سخن و پیچیدگی معنی گرفتار آید. حال و هوای بابافغانی و پیروانش به روشنی از غزلهای او میتراود. (کلیات اشعار رهی معیری، مقدمهٔ سجادی: ۲۶)

نتیجه

غزل مذکور از بسیاری جهات، چه از حیث صنایع ادبی، و چه از حیث زبان و مضمون، بیشتر رنگ و بوی غزل وحشی و مکتب وقوع را دارد و آثار آن حتی در غزل رهی شاعر معاصر، بیش از دیگران مشهود است.

با این‌که غزل صائب از حیث فکری، وجه اشتراکی با غزل وحشی ندارد، اما طبیعی است که حداقل در وزن و ردیف و قافیه از او تقلید کرده‌باشد، چون صائب دیوان غزل شاعران متقدم و معاصر را مطالعه میکرده و از آنها در مضمون‌پردازیهای خویش بهره میبرده‌است. او مضمونهای عرفانی و اخلاقی را در قالب غزل وحشی ریخته‌است. شباهت بیت اول غزل اسیر و صائب، بر اقتباس اسیر از صائب دلالت میکند. به نظر میرسد اسیر، غزل وحشی و نیز غزل صائب را خوانده و از هر دو اقتفا کرده‌باشد. چنان‌که شواهدی نیز بر این مدعا وجود دارد. شباهت موضوع غزل بیدل به غزل صائب گمان به اقتفای بیدل از صائب را قوت میدهد. از غزل رهی نیز با توجه به شباهتهای موجود، اقتفا از وحشی و اسیر هویداست. با وجود این تأثیر و تأثر، پیشرفت جملات نثری در غزل شاعران پیچیده‌گو و خیالبندی چون بیدل و اسیر و صائب، منطقی به نظر می‌آید.

میتوان گفت غزل ساده و درددل گونهٔ وحشی، در دورهٔ سبک هندی در پیچ وتاب خیالات و مضمون‌پردازیها افتاد و در آن، مضمونهای پراکنده از قبیل اخلاقی و عرفانی و ... گنجانده شد. اما پس از طی چند قرن دوباره به همان شیوهٔ ساده و مضمون سابق برگشت. در

Archive of SID

www.SID.ir

حالیکه، اسیر، شاعر خیالبند سبک هندی، در مضمون و لفظ غزل تغییرات چندانی نداد و غزل او همان شیوهٔ ساده‌گویی و وقوع‌گویی وحشی را دارد.

منابع

۱. ادبیات معاصر ایران(شعر)،روزبه، محمدرضا (۱۳۸۸)، چاپ چهارم، نشر روزگار، تهران.
۲. آشنایی با عروض و قافیه، شمیسا، سیروس (۱۳۸۱)، چاپ هجدهم، انتشارات فردوس، تهران.
۳. بررسی سبک شناسانه تأثرات صائب از بابافغانی شیرازی، اسیر شهرستانی و محتشم کاشانی، کلانتر، نوش آفرین (۱۳۹۱)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
۴. بیان، شمیسا، سیروس (۱۳۸۵)، ویرایش سوم، نشر میترا، تهران.
۵. تاریخ ادبیات ایران، صفا، ذبیح الله (۱۳۶۹)، بخش اول از جلدپنجم، انتشارات فردوس، تهران.
۶. تاریخ ادبیات ایران، صفا، ذبیح الله (۱۳۷۸)، بخش دوم از جلد پنجم، انتشارات فردوس، تهران.
۷. تاریخ ادبیات ایران، صفا، ذبیح الله (۱۳۸۴)، تلخیص محمد ترابی، جلد چهارم، انتشارات فردوس، تهران.
۸. دیوان اسیر شهرستانی، اسیرشهرستانی،میرزاجلال(۱۳۸۴)،به تصحیح غلامحسین شریفی ولدانی، چاپ اول، مرکز نشر میراث مکتوب، تهران.
۹. دیوان اشعار وحشی، وحشی بافقی، محمد(۱۳۸۴)، با مقدمه و ویرایش حسین آذران، چاپ نهم، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۱۰. دیوان بیدل، بیدل دهلوی، میرزا عبدالقادر (۱۳۸۶)، به تصحیح اکبر بهادوند، انتشارات نگاه، تهران.
۱۱. دیوان سیدای نسفی، سیدای نسفی، میر عابد(۱۳۸۲)، تصحیح حسن رهبری، انتشارات بین المللی الهدی، تهران.
۱۲. دیوان صائب، صائب تبریزی، محمدعلی(۱۳۸۷)، به کوشش محمد قهرمان ۷ جلد، چاپ پنجم، انتشارات علمی- فرهنگی، تهران. .
۱۳. سیر غزل در شعر فارسی، شمیسا، سیروس (۱۳۸۶)، چاپ هفتم، نشر علم، تهران.

Archive of SID

www.SID.ir

۱۴. شمیسا، سیروس(۱۳۸۱)، تازه های بدیع، ویرایش دوم، چاپ چهاردهم، انتشارات فردوس، تهران.
۱۵. صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمدرضا(۱۳۸۶)، چاپ یازدهم، انتشارات آگه، تهران.
۱۶. کلیات اشعار رهی معیری، معیری، رهی (۱۳۸۴)، به کوشش رضا سجادی، چاپ پنجم، انتشارات زوار، تهران.
۱۷.کلیات سبک شناسی، شمیسا، سیروس (۱۳۸۶)، چاپ دوم از ویرایش دوم، نشر میترا، تهران.
۱۸. مجموعه مقالات سبک هندی، حیدری، علی(۱۳۸۷)، شیوه های نظیره گویی دردیوان صائب، دانشگاه آزاد اسلامی آستارا.
۱۹. موسیقی شعر، شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۱)، چاپ هفتم، انتشارات آگه، تهران.
۲۰. نشریهٔ اطلاع رسانی و کتابداتری «کتاب ماه»، محیط اعظم بیدل و سبک هندی، آبان ۱۳۸۷، شمارهٔ ۱۳۳.
۲۱. نشریهٔ اطلاع رسانی و کتابداری «کتاب ماه» ادبیات، رزمجو، توران، نگاهی به مکتب واسوخت در تاریخ ادبیات، فروردین ۱۳۹۰، شمارهٔ ۱۶۲.
۲۲. نشریهٔ اطلاع رسانی و کتابداری «کیهان فرهنگی»، دستغیب، سید عبدالعلی، بیدل و سبک هندی، بهمن ۱۳۸۳، شمارهٔ ۲۲.
۲۳. نشریهٔ تاریخ، آیینهٔ میراث، شریفی، غلامحسین، اسیر شهرستانی تکامل بخش سبک هندی، بهار ۱۳۸۰، شمارهٔ ۱۲.
۲۴. نشریهٔ زبان و ادبیات دانشکدهٔ علوم انسانی دانشگاه سمنان، جعفری قریه علی، حمید، وقوع سرایی وحشی بافقی در غزل، تابستان ۱۳۸۷، شمارهٔ ۲۲.
۲۵. نشریهٔ زبان و ادبیات نامهٔ فرهنگستان، شجاع کیهانی، جعفر، اسیر شهرستانی و سبک شعر او، پاییز ۱۳۷۶، شمارهٔ ۱۱.
۲۶. نقدادبی درسبک هندی، فتوحی،محمود (۱۳۸۵)، انتشارات سخن، تهران.
۲۷. نگاهی به صائب، دشتی، علی (۱۳۶۴)، چاپ دوم، انتشارات اساطیر، تهران.

Archive of SID

www.SID.ir